

گذری بر تاریخ ایجاد جلسات ادبی حوزه هنری خراسان که بعدها اعضایش نخستین جلسه شعرخوانی در حضور رهبر معظم انقلاب را شکل دادند

محفلی که خانه خورشید شد

ادریس بختیاری

انجمن ادبی حوزه هنری مشهد که یکی از انجمن‌های قدیمی شهر مشهد است، اواسط دههٔ ۶۰ به همت و نبوغ شاعری به نام سیدعبدا... حسینی در مشهد پا می‌گیرد. پیش از آن، انجمن‌های دیگری هم در مشهد حیات ادبی داشتند. نظیر انجمن فرخ و انجمن محمد قهرمان و انجمنی در باغ نادری به همت مرحوم صاحبکار. اما این انجمن‌ها که بیشتر پاتوق شاعران پیش‌کسوت بوده‌اند، دغدغه مذهبی و انقلابی برخی شاعران نسل جوان را بر طرف نمی‌کرد، برای همین آن‌ها ضمن ارتباط دورادور با انجمن‌های قدیمی مشهد، خود نیز انجمن مستقلی را پیرو اعتقادات و آرمان‌های آن روزهای خود پایه‌گذاری می‌کنند؛ انجمنی که بعدها سبب شکل‌گیری جلسات ادبی و شعرخوانی در بیت رهبری نیز می‌شود. ۲۷شهریور در تقویم به نام روز ملی شعر و ادبیات فارسی سند خورده‌است به همین مناسبت روایت شکل‌گیری انجمن ادبی حوزه هنری مشهد و رویدادهای پس از آن را در ادامه می‌خوانید.

- چراغی که روشن شد



سیدعبدا... حسینی که امروز مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی است، طلبه‌ای متولد سال ۱۳۴۳ در مشهد است که با شرکت در اولین همایش سراسری شعر دانشجویان که طلاب نیز در آن شرکت داشتند، به جمع شاعران انقلاب می‌پیوندد. اوست که جلسات شعر حوزه هنری مشهد را پایه‌گذاری می‌کند و به‌این‌ترتیب شعر انقلاب در مشهد صاحب تریبون می‌شود. او همچنین انجمنی‌را راه می‌اندازد که برای پانزده‌شازده‌سال مرکز استعدادیابی است و جایگاه حوزه مشهد را بعد از حوزه هنری تهران تثبیت می‌کند. خودش درباره‌شکل‌گیری انجمن حوزه هنری می‌گوید: «اتفاقاتی افتاد و من به‌عنوان یک شاعر مطرح شدم. تعدادی جوان را در محلی گرد هم جمع کردم. حداکثر بیست‌ودوسالم بود. قبلش در دومسابقه‌شرکت کرده‌بودم و شعرم از تلویزیون پخش شده بود. یک جایی هم در مجله تحویلیم گرفته بودند. افتاده بودم روی ریل شهرت، البته اولش بود. از سوی وزارت ارشاد، مسابقه‌ای ترتیب داده شد. استانی بود و بعدش راه پیدا کردم به سطح کشوری. موقع شعرخوانی تحسین می‌شدم و احساس می‌کردم می‌توانم عده‌ای را دور هم جمع کنم. یک جوهرایی به خودباوری رسیده‌بودم. چندانفکری شدید و دوشادوش، اتفاقی گرفتیم و انجمن راه افتاد. جالب اینک متن صفحات ادبی قدس را همین بچه‌های انجمن حوزه هنری می‌نوشتند. از همان روزها عده‌ای پایشان به تحریریه روزنامه‌های مشهد کشیده شد و تا به امروز هم شاغل همین روزنامه‌ها هستند.»

- شروع دوستی شاعران انقلابی

احمد زارعی، محمدکاظم کاظمی، جلال قیامی، غلام عباس ساعی، مصطفی محدثی خراسانی،

ماه رمضان و اولین دیدار شاعران با رهبر انقلاب

سیدعبدا... حسینی اولش می‌خواست انجمنی برای طلاب دست وپا کند. جلسات اول در یک مدرسه طلبگی برگزار شد و بعدش رفتیم سازمان تبلیغات. بعد از یک سالی که ما بودیم، دیگران آمدند. خیلی گسترده نبود. با چهار پنج نفر شروع کردیم، در واقع انجمنی که در سازمان تبلیغات برگزار می‌شد، از حدود سال ۱۳۶۵ شکل گرفت. سیدعبدا... با یک گچ سفید و خط خوش نیم‌بندی، اسم انجمن را روی تخته نوشت «انجمن ادبی بلاغ».

ماه‌های بعد، اتفاقی را در سازمان

تبلیغات گرفت و خودش آن را موکت کرد و با روابط عمومی خوبی که داشت، بسیاری از کسان را به انجمن کشاند. کمی بعد، حسینی اولین دیدار شعرای انجمن سازمان تبلیغات را با آیت...العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب تدارک دید. ماه رمضان بود که سیدعبدا... خبر داد که ایشان سفری به مشهد خواهند داشت. آن موقع، دوره ریاست‌جمهوری‌شان بود. در تالار دارالزهد و بعد از افطار شعر خواندیم. آن شب، مجید نظافت شعری خواند که در آن تعبیری مثل «سس مایونز» آورده بود و گفته بود: مرقهان بی درد

هادی منوری، حسین ابراهیمی، بهزاد پورحاجان، مجیدنظافت‌پزدی و سیدابوطالب مظفری شاعرانی هستند که دور سیدعبدا... حسینی جمع می‌شوند و انجمن حوزه‌هنری را شکل می‌دهند. بعد از آن، شاعران دیگری هم به جمع اضافه می‌شوند و یک جمع‌دوستانه شعری و منسجم شکل می‌گیرد. حسینی شروع برخی دوستی‌های ادبی‌اش را این‌طور نقل می‌کند و ادامه می‌دهد: «مهدی فراهانی منفرد را معرفی کرده‌بودند که دانشجوی تاریخ در دانشگاه فردوسی بود. سه‌چهار بار انجمن آمد و بعدها نیامد. خیلی خوب شعر می‌خواند. من خودم شعر خواندن را از او یاد گرفتم. فرافزفرد خوبی در شعر خواندن داشت و دکلمه خوبی می‌کرد. بعد از او زارعی آمد. احمد زارعی در دانشگاه فردوسی درس می‌خواند. بالاخره خواسته و ناخواسته هر یک از اعضا که زودتر پایش به انجمن حوزه هنری باز می‌شد، کمی بعد، یکی دو نفر دیگر را هم با خود می‌آورد. فضل تقدمی از این حیث در کار نبود، مثلاً پناه‌زاده توسط علیرضا علیزاده یا محدثی خراسانی به‌جلسه معرفی‌شد. محمدمرضانی فرخانی و برادران موسوی هم از طریق پناه‌زاده به انجمن حوزه پاگشا شدند.»

- پایه‌گذاری بنای حوزه هنری خراسان

پایه‌گذاران انجمن حوزه هنری، در روزهای اول انجمن نمی‌دانستند در آینده، جریان فعال و اثرگذاری می‌سازند. در آن روزها شعر اغلب این افراد در انجمنی مثل انجمن فرخ خریداری نداشت، به‌همین دلیل خود جلسه نقدی هم راه می‌اندازند. حسینی درباره نقد و رویکرد نقد در انجمن می‌گوید: «اوایل نقدها را خودم انجام می‌دادم. کمی بعد مصطفی محدثی به‌من پیوست و بعد از او غلامعباس ساعی آمد و ادامه دادیم. از یک جایی به بعد، بقیه هم دستی چنانداوند و کسی حرفش را پنهان نمی‌کرد. کسی بی‌حرف نمی‌آمد و نظاره‌گر نبود. هرکس به زبان خود و روش خودش چیزی می‌گفت.

کسی از هیچ حیث ادعایی نداشت. درک و فهم یکی بالاتر بود و یکی کمتر، البته ساعی در نقد شعر تواناتر بود و جان تازه‌ای به جمع‌مان داد.»
جز این‌ها، کنگره شعر طلاب هم توسط بانئ انجمن شعر حوزه هنری پایه‌گذاری می‌شود. البته بعدها این کنگره، ازسوی سازمان تبلیغات اداره می‌شود و با اسم «اشراق» استمرار می‌یابد.

- بیعت با رهبری

غلامعباس ساعی، از شاعران شاخص انجمن حوزه هنری، در توضیح شکل‌گیری جشنواره و کنگره شعر طلاب می‌گوید: «کنگره در خراسان پا گرفت، اما تهرانی‌ها آن را از دستمان دورآوردند و البته باز رهایش کردند.

اولین دوره‌اش در مشهد برگزار شد. از سراسر کشور شعرها ارسال شد. شب اول اعلام شد حال امام‌دگرگون شده است و برایش دعا کنید. شاعران به گریه افتادند و رفتند حرم امام‌رضا^(ع). فردای آن شب امام رحلت کردند. علی معلم دامغانی به اتاقش رفت و در را بست و به سرایش شعر مشغول شد. حاج‌صادق اهنگران هم آن سال آنجا بود. فردای آن روز هر کس شعری را که به فراخور واقعه گفته بود، در جشنواره خواند. درواقع اولین جایی که با رهبری به شکل رسمی بیعت شد، همین کنگره شعر طلاب بود. این اتفاق باعث شد خراسان قیله شعرش آن روزها شود.»

سیدعبدا... حسینی سواى شکل‌دهی جلسه‌شعر ونقد حوزه‌هنری مشهد، زمینه‌آشنایی شاعران مشهدی و تهرانی را نیز فراهم می‌آورد. او در واقع ذیل این جلسه، شاعران را بافضاهای ادبی دیگر شهرها آشنامی‌کرد. گاهی برای شرکت یک شاعر مشهدی در شب شعری در قم، تهران، یا شهر دیگر بلیتی تهیه می‌کرد و جایی رزرو می‌کرد، گاهی هم شعر شاعری جوان را در روزنامه «قدس» چاپ



می‌کرد.



محمدکاظم کاظمی، از شاعران این انجمن، در این باره می‌گوید: «در حدود سال ۱۳۶۷ یا ۱۳۶۸ جلسه سپرده شد به ساعی و نقد صورت جدی‌تری پیدا کرد. ساعی مرا با زیبایی‌شناسی شعر و آرایه‌ها و مباحث تئوریک آشنا کرد. با آمدن او به انجمن حوزه هنری، پیشرفت‌هایی از جنبه‌های نقد و نظر پیدا کردیم. آنجا کتاب‌هایی نظیر کتاب‌های استاد شفيعی را توصیه می‌کردیم به هم که بخیریم و بخوانیم.»



نادر پناه‌زاده، از دیگر شاعران این انجمن، به صفحه ادبی وقت روزنامه قدس اشاره می‌کند که به همت بچه‌های انجمن حوزه پر می‌شد. او تعریف می‌کند: «ما صفحه‌ای در قدس را می‌گردانیدیم با نظارت اردکانی. یک صفحه مهم بود. در تاریخ ادبیات معاصر خراسان باید به این صفحه در آن سال‌ها اشاره شود. محمدمرضانی فرخانی خیلی زحمت می‌کشید در چیدمان و انتخاب شعرها. وقتی شاعران تهرانی این صفحه را دیدند متعجب شدند. خوششان آمد و شاید بعدها از این شیوه تأثیر پذیرفتند.»



دکتر محموداکرامی فر، یکی از شاعران این جمع، هم در توضیح نگاه کلی شاعران انجمن حوزه هنری مشهد می‌گوید: «با فرخی‌هارقابت داشتیم. پیش خودمان می‌گفتیم از زمانه عقب‌اند. اگر آن‌ها جایی دعوت می‌شدند، ما دعوت نمی‌شدیم و شاید نمی‌رفتیم و برعکس، ماها دوست نداشتیم برگردیم به سبک عراقی و چه و چه. آن‌هم با همان اسلوب‌های آن عصر و قرون.»

شعرت انتخاب کن!، این شعر، بعدها بارها در نشریات چاپ شد. رهبری در آن جلسه، رهنمودهایی دادند. اشاره‌ای به صحبت‌هایشان با اخوان کردند. جزئیاتش یادم نیست. بعدش گفتند «در همه قالب‌ها می‌شود شعر گفت و تا جایی سبید را دوست دارم که به جیب بنفش منجر نشود». بعد از جلسه، تک‌به‌تک با همه جداگانه دست دادند و خداحافظی کردند. سیدعبدا... عکسی از مراسم را به همه داد که در روزنامه قدس چاپ شد. همین دیدار هرسال با ده‌دوازده نفری از شاعران انجام می‌شد تا اینکه وسعت و شمول کشوری پیدا کرد و سنت هرساله است.

سس مایونز می‌خورند! شعری را آقای

خسرو خواند و خادم‌شدن در حرم را از رئیس‌جمهور طلبید. جالب اینکه دوسه روز بعد دیدمش در لباس خادمی و گفتم به آرزویت رسیدی. امیربرزگر شعری با موضوع جمعه خونین مکه خواند. خودش خواسته بود که شعرش را قاب کنند و در یکی از رواق‌ها آویزان کنند. ناطق نوری، شکوهی، اکبرزاده، حسن خامنه‌ای، دکتر ولایتی را یادم هست که در جلسه حضور داشتند. یکی شعری خواند که در آن از تعبیر «اشک ناب» استفاده شده



انجمن حوزه هنری مشهد شاعر، پژوهشگر و از اعضای سیدجلال قیامی



که درست در هنگامه جهش هنر معماری و سبک خانه‌سازی از قاجار به پهلوی رخ داده. براهمیت مطالعاتی این‌خانه افزوده است. کاشی‌کاری بی‌نظیر این خانه را

خانه زرعی در یک نگاه

قدمت: دوره پهلوی اول

ویژگی معماری: تناسب و تقارن بین فرم‌ها و خطوط به‌کاررفته در بنا، مواد و مصالح و تزئینات اجراشده در آن، از ویژگی‌های خاص این بناست.

درنگ

نگاهی به تاریخ شکل‌گیری حرکت زائران پیاده به سمت مشهد؛

رسمی که پس از حادثه بمب‌گذاری سال ۱۳۳۲ در حرم قوت یافت تا آستان‌جانان



کوچک‌زاده

سنت سفر کاروان‌ها با پای پیاده از گذشته‌های دور به فرهنگ اسلامی ما وارد شده است و تا امروز ادامه دارد. از دیرباز در دهه صفر که بسیاری از معتقدان برای رفتن به کربلا با پای پیاده قصد سفر می‌کردند، عده‌ای نیز برای حضور معنوی و زیارت حرم رضوی رهسپار مشهد می‌شدند. نخستین کسی که سنگ بنای این حرکت را می‌گذارد، به احتمال زیاد، شاه‌عباس صفوی است. او در سال ۱۰۱۰قمری با گروهی از افرادش، مسیر اصفهان تا مشهد را در ۲۸روز پیاده طی می‌کند، حرکتی که تا همین امروز همچنان ازسوی مردم ادامه دارد اما در سال‌های مختلف با افت‌وخیزهایی همراه بوده است. درواقع سنت پیاده‌روی برای زیارت، یک سال پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام‌خمینی^(ع) شکل رسمی می‌گیرد، بین سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ با افت‌وخیز همچنان ادامه دارد تا اینکه از دهه‌۹۰ به بعد با استقبال بیشتری ازسوی مردم روبه‌رو می‌شود.

در کتاب «زائران پیاده حرم مطهر امام‌رضا^(ع) به روایت مطبوعات، نوشته سیدمهدی سیدقطبی و محمدمهدی مرتضوی فر، گزیده‌ای از اخبار موجود درباره زائران پیاده حرم قدس رضوی با بررسی ۱۸۰سال اول تاریخ مطبوعات ایران یعنی از سال ۱۲۱۵خورشیدی تا ۱۳۹۰. بررسی شده است. البته ما در این مطلب به اخبار دهه ۷۰نگاهی انداخته‌ایم؛ زمانی‌که پس از بمب‌گذاری در عاشورای سال ۱۳۷۳ در حرم مطهر رضوی، بر تعداد کاروان‌های پیاده به سمت قدس افزوده می‌شود، نشانی بر ابراز علاقه مؤمنان به ساحت آن امام همام.

بیشتر اخبار دهه ۷۰مندرج در کتاب «زائران پیاده حرم مطهر امام‌رضا^(ع) به روایت مطبوعات، مربوط به سال ۷۲ و اخبار دو روزنامه جمهوری اسلامی و اطلاعات است؛ همان سالی که در سی‌امین‌روزخردادش درروزعاشورا در حرم بمب‌گذاری می‌شود. روزنامه جمهوری روز ۸تیر ۱۳۷۳ یعنی فقط ۹روز پس از حادثه بمب‌گذاری، خبری مبنی بر پیاده‌روی کوهنوردان بابلی به‌سوی حرم مطهر به‌منظور محکوم‌کردن جنایت منافقین منتشر می‌کند. این گروه پیاده از شهرستان‌های فیروزکوه، سمنان، سبزوار به سمت مشهد می‌آیند.

۱۳تیر نیز همین روزنامه درباره حرکت پیاده‌دو بسیجی ازبوشهر به مشهد نوشته است. آن‌ها نیز هدف خود را انزجار از عمل منافقین در بمب‌گذاری اعلام می‌کنند.

۱۴تیر بازهم چهار کوهنورد بابلی، پیاده و بازهم برای محکومیت منافقین، عازم مشهد می‌شوند.

دو بسیجی ۲۳و ۲۶ساله ازبوشهر با پای پیاده راهی مشهد شده‌اند. یکی از این افراد به مصاحبه با روزنامه اطلاعات، منتشرشده در ۱۲مرداد گفته است: «ابتدا فکر می‌کردیم در راه با مشکلاتی مواجه شویم اما استقبال گرم مردم و مسئولان در بین شهرها باعث شد با سرعت بیشتری این مسیر را طی کنیم. مدت ۲۴روز طول کشید تا از بوشهر به تهران برسیم. در شهرهای طول مسیر نیز با مقامات و ائمه جمعه شهرها دیدار داشتیم. در اوایل شهریور به بارگاه ثامن الحجج می‌رسیم.»



اخبار سال ۱۳۷۳ تا آذر این سال، از سفر زائران پیاده به مشهد نشان داردو با اینکه ماه صفر و شهادت گذشته است، باز هم رهسپار مشهد شده‌اند و هدفشان هم انزجار از حرکت ضدانسانی منافقین عنوان شده است.

اما در اخبار سال ۷۴، حرکت زائران شهرستان‌های اطراف به مشهد بیشتر دیده می‌شود. روزنامه خراسان در دوم مرداد این سال از سفر بیش از ۱۵۰تن از اقشار مختلف مردم قوچان به سمت مشهد با پای پیاده برای شرکت در مجالس عزاداری روز چهل‌وهشتم خبر می‌دهد. امام جمعه قوچان هدف از تشکیل این کاروان را زیارت امام‌رضا^(ع) و ایجاد آمادگی در مردم برای سفر به کربلا و زیارت امام‌حسین^(ع) ذکر می‌کند.

حرکت کاروان‌های پیاده به‌سمت مشهد فقط مختص روز شهادت امام‌رضا^(ع) نیست، چنان‌که کاروان‌های مردمی یا آزادگان و بسیجیان به مناسبت‌های تقویمی دیگری مثل روز ورود آزادگان به مشهد یا ولادت امام‌رضا^(ع) و ... خود را با پای پیاده به مشهد می‌رسانند.

برای نمونه در دی‌ماه سال ۷۵ کاروانی متشکل از استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاه آزاد بجنورد راهی مشهد می‌شود. حضور این گروه در مجله حرم، بازتاب می‌یابد و نوشته می‌شود که این گروه با وجود وضعیت نامناسب هوا و بارش باران و وزش باد، روزانه ۱۰ساعت راه‌پیموده‌اند و بعد از یک‌هفته به مشهد رسیده‌اند. اما به‌جز سن‌وسال دارها، رد پای جوانان هم فراوان در اخبار دیده می‌شود که به‌تنهایی یا دوتنفره راهی سفر شده‌اند. خبری درباره یک دانش‌آموز بسیجی ۱۶ساله ورامینی که پس از ۲۵روز پیاده‌روی درگرمای تابستان واردمشهد می‌شود، در روزنامه‌کیهان سال۷۶ درج شده است.

اما آخرین خبر دهه‌۷۰ در مجله حرم مربوط به آذر سال ۱۳۷۹ و بازهم درباره شمالی‌هاست، زائر ۶۶ساله مازندرانی طی ۱۴روز، مسافت بهشهر تا مشهد را برای پنجمین بار پیاده طی کرده است. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۸تیر ۱۳۷۲، درباره یک‌جانباز مازندرانی به نام ابراهیم علیزاده نوشته‌که از چشم راست، کف پا و فک آسیب دیده است. این جانباز اهل شمال در ماه محرم از زادگاهش چالوس، تا مشهد، مسافتی دوهزار و صدکیلومتری را با پای پیاده در ۲۳روز طی کرده است. مجله با زائر، ویژه‌نامه روزنامه قدس، هم در ۹آبان سال ۱۳۷۲ خبر حضور چهل تن از خانواده شهدا و آزادگان و بسیجیان را منتشر کرده‌که از باقی استان یزد راه افتاده‌اند و طی ۱۸روز، هزار کیلومتر را طی کرده‌و به مشهد رسیده‌اند.

منبع:
تاریخ شفاهی
انجمن های
ادبی مشهد
در آرشيو مرکز
اسناد آستان
قدس رضوی

تصویری از جلسه زائران مشهدیان در جلسه شعرخوانی در حضور رهبر معظم انقلاب (۱۰آذر دهه ۹۰)

شاهRARANNEWS.IR

۲۳شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۱ شماره ۲۲ صفحه ۲۷۷

۱۵



تاریخ و هویت